نقش و جایگاه نظامیان مصر در تحولات انقلاب زوئه‌ی ۲۰۱۱

امیر ساجدی
استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
رحمان رنجی
دانشجوی دکترای علوم سیاسی گرایش سیاست‌گذاری عمومی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۰۹

چکیده
ارتش مصر به عنوان نهادی قدرتمند، همواره نقش مهمی در صحنه سیاسی مصر ایفا کرده و امروزه که در رأس حکومت قرار گرفته، با قجالش همچنان مواجه است. حکومت نظامی مصر از یک سو، مسئولیت اصلی تأمین امنیت را بر عهده دارد و از سوی دیگر، برای تغییرات ضروری و پایایی نظام بهارت رسیده از دوران مبارک با فشارهای داخلی مواجه است. با مشاهده تحولات اخیر مصر و پافشاری نظامیان بر قواعد سنتی، عدم پذیرش قواعد مدرن و خارج کردن اسلامگرایان به ویژه احزاب سیاسی، می‌توان انتظار داشت روابط نظامیان و دیگر رهبران سیاسی در آینده به ویژه در کشور قدامی و ثبات حکومت نظامی زننده برای ایران ضروری باشد. به رغم در پیش گرفتن رفتارهای منفی، جایگاه ارتش مصر از سال ۱۹۵۲ تا پیش از انقلاب زوئه‌ی ۲۰۱۱‌ در این کشور نهاد مناسبی شده است. در تمامی این دوران، ارشدیان در معادلات داخلی و خارجی نقش مهمی ایفا کرده و با اعتیاد به سردرگمی و به‌همراهی جامعه مصر، به نظر می‌رسد این نهاد همچنان در قالب بازیگر اصلی صحت سیاسی و اقتصادی مصر به ایفای نقش پردارد.

واژه‌های کلیدی: ارتش، کودتا، امنیت، احزاب سیاسی، تحولات مصر.

1. amir_sajedi2001@yahoo.com
2. rahmanragbar@yahoo.com
مقدمه

از دیدگاه حقوقی و حتی سیاسی این اصل پذیرفته شده که ارتش به عنوان ابزار اجرای قدرت و خشونت دولتی، فاقد مستندی سیاسی است، اما در منطقه خاورمیانه و شمال افغانستان ارتش را به دلایل مختلف به شکل مستقیم یا غیرمستقیم نقش برگزیسته، در تصمیم‌گیری سیاسی اینجا کرده‌اند. طبعاً شیوه و میزان تفکر و دخالت ارتش در رژیم‌های سیاسی افغانستان و از آنجا که مورد مطالعه و اندوزه‌نده شده‌اند به میزان نهادمندی زندگی سیاسی، توسه به فرهنگ سیاسی و گسترش مؤسسات و نهادهای جامعه مدنی بستگی دارد. در شرایط نهادمندی و توسه به فرهنگ سیاسی، اصول مورد استفاده حکومت در امر حکومتی به عنوان منابع قدرت سیاسی، از تدریج عمومی و پشتونه اخلاقی برخورد است. قواعد انتقال مسلمان آمیز قدرت سیاسی به سرعت اجرای امر مسند شده و ارکان جامعه مدنی مانند احزاب، اتحادیه‌ها و نهادهای مدنی نیرومند هستند. این در حالی است که در کشورها در حال توسه خاورمیانه به دلیل ضعف فرهنگ سیاسی و ضعف در نهادگانه، نظام‌های همواره یکی از نیروهای تأثیرگذار در امر سیاسی بودند. تجربه کشورهای مانند ترکیه (در گذشته)، پاکستان و مصر نشان داده که روند سیاسی می‌تواند به‌شدت از نظام‌های تأثیر پذیرد.

از واقعات سال ۲۰۱۰، موج گسترده‌ای از اعتراض‌های مردمی علیه حکومت‌های اقتصاری‌گرایی طرفدار غرب در برخی کشورهای عربی به راه افتاده که منجر به تغییر رژیم‌های سیاسی در برخی از آنها شد. به عنوان نمونه در تونس، لیبی و مصر این اعتراض‌های مردمی منجر به سرنوشت نظام‌های اقتصاری‌گرایی شد و برخی دیگر از رژیم‌های استبدادی منطقه هنوز در برابر این خیزه‌های مردمی مقاومت می‌کنند (لوتریک، ۲۰۱۳: ۳۶). حضور جریان‌های مختلف اعم از لیبرال‌ها، ملی‌گراها و گروه‌های اسلامی مانند اخوان‌المسلمین موجب شده تا این خیزه‌های انتقابلی موسم به بهار عربی و به زعم اسلام‌گرایان بی‌بینی اسلامی، به عنوان پدیده‌ای اجتماعی ناظر به خودبازگشت و هدف بازگشت و مبادلات شهرهای خود را کرایت و استقلال سیاسی، اقتصادی و فکری شناخته شود. الینه برخی از اسلام‌گرایان آن را تلاشی
در راستای ایجاد امت اسلامی می‌دانند. چنانچه در ابتدا پیروزی حزب النهضه به رهبری شیخ راشد الغنوشی در تونس و به دست گرفتن اکثریت کریستی مجلس مصر توسط اخوان المسلمین و حزب سفی نور همگی از تقویت فرضه اسلامگرایان حکایت داشت
(عشرات مقدم، 1390) اما اتفاقات بعدی در این کشورها نشان داد این فرضیه با جالش‌های جدی مواجه شده است.

مصر طولانی‌ترین تاریخ نوسازی را در جهان عرب داراست. از دوره اشغال مصر به دست نابلسون بناپارت، ارتش ملی اقدام به ایجاد شبکه صنعتی گسترده و نظام آموزشی کرد که موجب تغییرات گسترده‌ای در جامعه مصر شد و طبقه روشنفکری متاثر از انديشه‌های غرب را در مقابل الازهر شکل داد (دارا و کریمی، ۱۳۹۲: ۴۵). فرهنگ در این کشور با تاریخ تمدنی چند هزار ساله متفاوت با دیگر کشورهای جهان عرب بوده و از لحاظ غنی فرهنگی، سابقه تاریخی تمدنی، و ترکیب جمعیتی با گرایش‌های متفاوت سیاسی، قومی و مذهبی از جمله وجود لیبراپرا، اسلام، کردها، سکولارها، چپها، ملی‌گراها، سلفی‌ها، مسیحیان و غیره دارای اهمیت زیادی است. با این وجود، تداوم هر حکومتی در مصر نیازمند رسدید بدهو نوعی تعادل در تفسیر قدرت نهادها و گرایش‌های سیاسی در صحن حکومت است. مصر از دیدگاه سیاسی و فرهنگی یکی از مهم‌ترین کشورها در جهان عرب و خاورمیانه است و خیزه مردمی در این کشور متأثر از انقلاب تونس علیه حکومت مستبد و وابسته به غرب حسی می‌باشد. موجب زلزله‌ای سیاسی نشان‌دهنده در مصر بلهک در بیشتر نقاط خاورمیانه شد (البرادی، میزان آغاز جنبش مردمی مصر تا پیروزی انقلاب و نیز تشکیل شورای عالی نظامیان توسط زلزله طلائی، نظامیان مصر تاکنون به عنوان یکی از مهره‌های کلیدی در تحولات این کشور، نقش اساسی ایفا کرده‌اند. این مسئله علاوه بر مردم مصر، ناظرین و پژوهشگران بین‌المللی را نیز با این پرسش اساسی مواجه کرده که نظامیان در شرایط جدید مصر چه نقش و جایگاهی خواهند داشت؟ آیا آنها قادر به نهادهای سیاسی و اگذار خواهند بود؟ در این راستا مقاله حاضر با رویکردی تاریخی-تحلیلی به بررسی نقش نظامیان در مصر از زمان کردا (۱۹۵۲) می‌پردازد تا ضمن روش نمودن جایگاه تاریخی و سنتی نظامیان مصر در سیاست این کشور، به جشن‌نامزی واقعیت‌بینانه از نوع پرخورانه آنها با شرایط
انقلابی جدید مصر دست یابد.

مصر به واسطه نقش کلیدی‌اش در خاورمیانه و شمال آفریقا و همچنین جهان اسلام، همچنان به عنوان مرکز توجه سیاست‌های ایرانی بوده است. موقعیت شدن این کشور با خیزش مردمی و تغییر مواضع نسبی نخبگان جدید (در همانها با افکار عمومی جامعه) در رابطه با جمهوری اسلامی ایران و اسرئیل، اهمیت مصر را در دستگاه سیاست خارجی و دیپلماسی ایران دوچندان نموده است. بنابراین این مقاله می‌تواند علاوه بر افزودن به ادبیات علمی کم حجم این حوزه و قرار دادن منبعی علمی در اختیار نخبگان و تحلیل گران امور مصر، برای مقامات سیاست خارجی کشور نیز مفید باشد.

در این راستا پرشن اصلی آن است که نظامیان از چه جایگاهی در مصر برخوردارند و چه نقشی در انقلاب زویه ۲۰۱۱ مصر ایفا کرده‌اند؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که نظامیان از سال ۱۹۵۲ تا پس از پروزی انقلاب زویه ۲۰۱۱، هم‌مردمه مانعی در برادر اصلاحات سیاسی و اسلام گرایی در مصر بوده‌اند؛ بنابراین هدف اصلی مقاله حاضر شناخت نقش و جایگاه نظامیان در تحولات قبل و بعد از انقلاب سال ۲۰۱۱ مصر است. در این مقاله از روش تحلیل محتما که به روش مطالعه ارتباطات معروف است استفاده می‌شود که در بررسی منون، گفتارها، فیلم‌ها، تصاویر، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و غیره کاربرد دارد.

از این تکنیک به طور گسترده در علوم سیاسی و به‌ویژه بررسی مطبوعات و گزارش‌ها و سخنرانی‌های سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

چهارچوب مفهومی

برخی از کارشناسان بر این باورند که شرط لازم برای تقویت پایه‌های لردن دموکراسی‌های نویا، نظرت دموکراتیک غیرنظامیان بر نظامیان است. فرضیه‌های پی‌شمار با متغیرهای گوناگون در مورد دخالت سیاسی نظامیان مورد آزمون قرار گرفته‌اند از جمله: هرچه سطح نوسازی تجربه و بسیج اجتماعی بالاتر باشد، سطح دخالت نظامی کمتر می‌شود؛ هرچه هزینه‌های دولت به نسبت کل مارگ ملی کمتر باشد، احتمال دخالت نظامیان بیشتر می‌شود؛ هرچه درصد تیروی کار در خدمت ارتش بیشتر باشد، سطح دخالت نظامیان در سیاست بیشتر خواهد شد.
در این مقاله سعی بر آن است تا با تأسیس به عناصر ثابت و متغیر جامعه و دولت در مصر،
چهارچوب مفهومی و نظری برای فهم حوادث و تحولات مصر ارائه شود. بهترین نظریه
برای تحلیل نقش ارتش در اجتماع و سیاست مصر، نظریه «نوسازی سیاسی» است. بسیاری از
نظریه‌پردازان نوسازی مانند دورکهام، ویر، مارکس و هانتینگتون معتقدند در یک نظام سیاسی
مدور و توسعه‌ای، نگرش شهردان و رهبران سیاسی در یک راستا و همچنین است,
zیا فرهنگ سیاسی یکپارتی از آن جامعه شکل گرفته است. به عبارتی دوران احساسی و
افراتر بودن سیاست در این کشورها طی شده و رویدادهای سیاسی به واسطه وجود نهادهای
دموکراتیک به صورت عقلانی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. از این‌رو امکان برداختن به
تمامی نظریه‌پردازان توسیع می‌نیست، در این مقاله تلاش می‌کنیم به اختصار به دو نظریه
مارکس و هانتینگتون بردازیم.

کارل مارکس اظهار می‌دارد مدل مدرن ملنگشدن و گزارش از جامعه سنتی اجتناب‌ناپذیر است.
پس جوامع سنتی مجبورند همان روندی را که جوامع مدرن طی کرده‌اند، بپیمایند و در این
مسیر با همان بحران‌های گذار مواجه شوند. نوسازی در اروپا از قرن چهاردهم به
از دوره رنسانس، روشگری، اقلیلاب صنعتی، نسبت و غسترش شهرنشینی و دموکراتیک که به
حکومت‌های خودکامه پایان داد، مفهوم و فهمه‌ای یافت. اروپا در این راه به بحران‌های نیز روی رو
شد ولی توانست آن‌ها را پشت سر گذارد. البته مارکس و بسیاری دیگر معتقدند خاورمیانه به
دلیل ماهیت ایستا و وجود ستون‌های ریشه‌دار در فرایند مدرنیزاسیون با بحران‌های یکشن‌یت
مواج‌ه است (واعظی، 1391: 86–88).

ساموئئل هانتینگتون با استفاده از نظریه نوسازی سیاسی به تجزیه و تحلیل نقش ارتش در
جوامع در حال توسعه پرداخته است. این نظریه با بررسی نقش نهادها، سازمان‌ها و نیروهای
اجتماعی و سیاسی در جوامع در حال توسعه، بستر لازم را برای تحلیل نقش ارتش و جابجا
نظام‌بان در ساختار سیاسی مصر فراهم آورده‌است. از سوی دیگر نظریه هانتینگتون با تفسیری که
در مورد تحولات سیاسی و بلوغ‌های انقلاب در این‌گونه جوامع دارد، به نحو مطلوبی شرایط
را برای بررسی رویکرد ارتش نسبت به انقلاب 2011 مصر و نیز تحولات پس از آن می‌کند. هانتینگتون در قابلیت‌های کارکردهای سیاسی به نهاد سیاسی، جهان‌جوی نظری
کلی‌ای را برای تبیین ایجاد می‌کند. وی کار خود را با این ادعای آغاز کرده که نهاد سیاسی
محصول آلی انتخاباتی است که به آن نام "اجتماع سیاسی" می‌دهد که به معنای میزان اجتماع اختلاسی مشروط در جوامع و منافع متفاوت در میان مردم برای حفظ نظم موجود است که می‌تواند تقویت می‌شود. توسعه نهادهای سیاسی (سازمان‌ها و ریشه‌های سیاسی) در هر واحد اجتماعی کارکردهای حفظ نظم انتخاب رهبرانی مقدار و خلک مختلفی می‌گیرد و به اکثریت کنترل میزان برای اجتماع سیاسی خارج از موارد محدود هم‌توانی کلی اجتماعی یا تعارض کلی است. این اختلاف‌ها حاصل تعارض میان دو یا چند "نیروی اجتماعی" یعنی گروه‌های اقتصادی، ملیتی، دینی، قومی یا سرزمینی در جوامع است. میزان مستندبندی نهادهای در اجرای کارکردهای لازم برای حفظ اجتماع سیاسی بهسته به نوع جامعه شناسی می‌باشد. در جوامع همانند ما، توان با مراجعه به هنرجویان سنتی به حل تعارض‌ها برداخته و از نهادهای سیاسی در آن اجرا می‌شود نقش را ایفا می‌کند. اما "هرچه جامعه پیچیده‌تر و نامتعادل‌تر باشد به دست آورد و حفظ اجتماع سیاسی به میزان بیشتری و استحکامی و عملکردانه‌تر نهادهای سیاسی خواهد بود" (هاشتینگتون، 1368).

توسعه نهادهای سیاسی در خلق و حفظ اجتماع سیاسی محصول دو عامل است: گستره حمایت از نهادها و سطح نهادیگری. مقوله نخست با میزان جمعیتی که به آنها واکنش داده‌اند در بر می‌گیرد. اگر آنها به کوچکی که نمایندگی جامعه نیست در سازمان‌ها و ریشه‌های سیاسی سرعت یا نیز توسعه‌های اجتماعی و نیز توسعه‌های اجتماعی برای انجام کارکردهای لازم برای اجتماع محدود است. از سوی دیگر، اگر این نهادها به‌کمک یا برگزی از مردم را شامل شوند، گستره آنها و سبب ترویج است و از توانایی بیشتری برای مدیریت تعارض با ایزرا روزنامه برخوردارند. در این راستا، مصرف از جمله کشورهایی است که از دوره ناصر (1952 تا پایان دوره مبارك) (2011)، نظامیان نقش حیاتی در سیاست ایفا کرده‌اند و به کارگزار اصلی سیاسی و اقتصادی تبدیل شده‌اند. بازدارنگی، حمایت از نشست منطقه‌ای مصر، نوسازی نظامی و دستیابی به خودکفایی نظامی از شعارهای است که همواره از سوی نظامیان مصر مطرح شده و هدف اصلی آن ایجاد تصویری موجه از ارتش نزد مردم و توجه کننده حضور آنها در سیاست بوده است (تراپروب 1372: 376). از این دیگر، احساس و گروه‌های سیاسی که خواهان ایجاد تغییرات گسترده در مصر بوده‌اند، هر چگاه نتوانسته‌اند به‌نهایی اقدام به تغییر در ساختار سیاسی -اقتصادی کشور کنند. تحت چنین شرایطی، نظامیان وارد
عرصه‌های سیاسی شده و با توجه به تخصصی که در زمینه‌های سازمانی، تکنولوژیکی و در سیاست‌ها، خود را به عنوان یکی از مفرج در مورد هستند. در معرض دید طبقه متوسط شهری و حتی برجستی از روشنفکران قرار دادن و به طور چشمگیری در عرصه‌های سیاسی - اقتصادی مصر حضور یافتن.

به دلیل وجود روابط عمومی بین نهادهای سیاسی و همچنین کنترل ارتش از سوی رئیس جمهور، نظام‌های مصر تناها به رئیس جمهور پایش گو بوده و دولت نیز به نوبه خود به مدرم پاسخگو بوده است؛ لذا دولت به پدیده و فاداری نظام‌های که بهتر در صدی تبیت حکومت ایران بودند، پست‌های سیاسی کلیدی و امتیازات ویژه اقتصادی را در اختیار نظامان قرار می‌داده که این موضوع به دخلخت هرچه بیشتر آنها در سیاست‌های می‌انجامید. در نتیجه افسران ارتشی هم که به قدرت می‌رسیدند با تهدیدن کردن و فراری‌های سختین نهادهای خود کوشیدند از تکرار تجربه موفقیت خود از سوی سایر افسران ارتش جلوگیری کنند. در نتیجه نیروهای مسلح نقض جدیدی برای خود پیدا کرده بودند. به چنین پدیده اتفاقی تا از مزایای مادی بهره‌مند شوند. درک صحیح نقض و جایگاه نظام‌های مصر، مستلزم نگاهی تاریخی به رویکرد آنها به سیاست این کشور و شناخت فراوانشیب‌های این روند است.

اداره امور سیاسی نلاش می‌کردنده. از ۱۸ کابینه وزرا که در سال‌های ۱۹۵۲-۱۹۸۰ تشکیل شد، فقط نخستین هیئت دولت که کمتر از دو ماه در رأس امور سیاسی باقی ماند، به رهبری یک غیرنظمی (علی‌ماهر) تشکیل شده بود. تناهی سنگی کابینه اول متشکل از مقامات غیرنظمی بود و ۱۵ کابینه بعدی ترکیبی از حدود ۳۶ درصد نظامی و ۴۴ درصد غیرنظمی بود. در این میان، مهم‌ترین مناصب وزارتی برای نظامیان در نظر گرفته می‌شود. ناصر هشت بار به رهبری دولت انتخاب شد و تمام معاونان رئیس جمهور در طول تصدی‌های نظامی بودند. تصمیم تمام وزارت‌های مهم مانند وزارت جنگ، وزارت کشور و ارشاد به عهده افسران ارشد‌تر گذاشته شده بود. هیئت تحریمی مطروحاتی مانند الاحرام و الهلال نیز زیر نظر نظامیان قرار داشت. در سال ۱۹۶۲ از یکصد مقام بالا در این وزارت‌های ۱۲ نفر مهم در انتخاب نظامیان مصری بوده و وزارت امور خارجه بیشترین پست‌های م_BBه‌ای میریستی به افسران سربرده شده. سفرای مصر در کشورهای اروپایی به استثنای سه نفر همه از این افسران ارشد انتخاب شده بودند.

در ساختار هرمی شکل قدرت در مصر در ۱۹۷۰، ناصر در صدر قرار گرفته بود و در دره دول نظامی شاغل‌های پابرجایتی در اربش مصر در سمت معاونان رئیس جمهور، نخست وزیر و سخت‌گوی پارلمان انجام وظیفه می‌کرده. در رده سوم که ۴۲ نفر از معاونان نخست وزیر ۱۳ نفر نظامی مشاهده می‌شدند. از ۴۵ نفری که در این سطح در هرم قدرت قرار داشتند، ۲۷ نفر (۴۵ درصد) از مبانی نظامیان برگزیده شده بودند (هرمنی، ۱۳۸۶). پس از مرگ جمال عبدالناصر، مصر انقلابی وارد مرحله دیگری شد. ناصر در عمل نتوانسته بود تمام خواسته‌ها و اهداف خویش را در طول عمرش تحقق دهد، لذا زمان‌های مناسبی برای سازش با امپراتوریست از جمله گسترش اتحاد مصر و سوریه و شکست مصر در جنگ ۱۹۷۳ وجود داشت. پس از مرگ ناصر بود که آن بارقه امیدی که با انقلاب ۳۷ زوده ۱۹۵۲ در دل توده‌های مصر جوانه زده بود، به پایان بی‌بی‌پایی رسید و به شکل قدرم‌کننده مصر را در مسیر وابستگی به غرب و به‌ویژه امریکا پیش برد و با هر قدمی که برمی‌داشت، از اهداف ناصر و حواشی‌های‌بخشی از احزاب مانند ناصری‌ها، اخوانی‌ها و چهل‌ها مصر دور و به نظامی‌گری متمایل می‌شد. در این دوره نیز ارتق در مرکز صحت سیاسی قرار گرفته و به عنوان نهادی مسلط، متأمر بر قراریت تبات، امینیت و مدیریت امور بود. مصر بزرگ‌ترین ارتش را در قاره آفریقا و جهان عرب داراست. ارتش برای
حدود ۱۲ درصد از جوانان مصر و در بخش صنایع نظامی به‌نهایی برای بیش از ۱۰۰ هزار نفر شغل ایجاد کرد است. ارتش مالک کارخانه‌ها و شرکت‌های متعددی است که به تولید انواع محصولات مصرفی اعم از مواد غذایی، کالاهای ساختمانی مانند سیمان، اتومبیل، دارو و مصنوعات دیگر می‌پردازد. ارتش برگیرنده مالک زمین در بخش عمومی کشور است و در مجموع، افزایش از حقوق‌های بالاتر، مسکن بهتر و بهداشت مناسب‌تری برخوردارند.

(از اشاعه، ۱۳۷۸: ۱۱۱–۱۱۸)
چهار حزب رسمی کشور بینی و فرد، ناصری، تجمع و گروه اخوان المسلمین انتخابات سومین دوره ریاست جمهوری مبارک را تحریم کردند. در این شرایط، دولت بخش مهمی از قوانین مربوط به حقوق و آزادی های سیاسی جامعه را به حالت تعلیق درآورد و مأموران امنیتی و دادگاه های نظامی توانستند با آزادی بیشتری جریان های سیاسی را سرکوب کنند (حسینی، 1381: 61-65). فقدان مشارکت سیاسی و اقتصادی به وسیله دولت نظامی مصر بدون توجه به افکار عمومی جامعه شده است.

در نتیجه سیاست های کشور در زمینه های متعدد با هواداری مهری ها و ادامه و برخی از جناح های سیاسی انتخاباتی یا انتخاب جامعه، مواردی چون امضای موافقت نامه گزاره دیده و ثبت در روابط مصر با رژیم صهیونیستی، عملکرد دولت مصر در جنگ ایران و متحدانش علیه عراق هنگام شغال کویت، سیاست های این کشور در رابطه با سومالی و سایر موارد نشان می دهد علل های نظامی مصر همواره با فقدان مشارکت مردمی موافق هستند (رضایی، 1385: 17).

**تحولات اخیر در مصر**

مبارک پس از ترور انور سادات در سال 1981 به قدرت رسید. ولی سال 2011 برخلاف عرف و قانون اساسی برای خود معاونی انتخاب نکرد. منشأ مهم دیگر، به اجرای آرامدن قانون فوقالعاده از سال 1981 بود که هدف اصلی آن چیزی جز سرکوب مخالفان بود. در هدف اخیر مبارک تحت فشار دولت های غربی، در انتخابات سال 2000 که مبارک قول انتخابات آزاد را داده بود، از مجموع 444 کرسی مجلس نمایندگان مصر، جنبش اخوان المسلمین تنها 17 کرسی به دست آورد و با همین تعداد، پس از حزب حاکم دموکراتیک ملی که 338 کرسی را تصاحب کرده بود قرار گرفت (نوبی، 1384: 76). انتخابات مورد اعتراض احزاب و گروه های مخالف واقع شد و دولت مبارک از آن پس بیشتر تحت فشار قرار گرفت. این فشارها به بیانی کلی و از سوی «جبش برای تغییر» موسوم به کلیه بود. مبارک در سال 2005 ماده 76 قانون اساسی را که ناظر بر انتخابات ریاست جمهوری بود، تعیین کرد و در نتیجه اخوان المسلمین در انتخابات پارلمان 2005، تعداد 88 کرسی از مجموع 454 کرسی مجلس خلق مصر به 20 درصد کرسی ها
الف ۱۶ تا ۲۵ زانویه

فضای مجازی مهم‌ترین ابزار بسچ و سازمان‌دهی ضددولتی بود که مورد استفاده معتضدان بره‌به‌ره چون اکثر مصرب قار عرف و از همان ابتدا یک جنبش انقلاب را انقلاب یافته هم، به علت نام‌نها هدایت (موتقع گیلیانی و عطارزاده، ۱۳۹۴: ۱۸۰) در این مدت، دولت سپاسی پیشگیری و کنترل را در پیش گرفت. بر مبنای این سیاست، سیستم سرکوب مبتنی، قطع اینترنت و عدم دسترسی به سایت‌های فیسبوک و توییتر و همگونی محتوا کردن سیستم پیام‌گردانی اقداماتی از این قبیل را در دستور کار داد، اما موفق نشد و اعتراض‌ها وارد مراحل جدید و گسترده‌تری شتند (اسمیت، ۲۰۱۲).

ب ۲۵ زانویه تا ۱۱ فوریه

در این بره، حکومت مصر سیاست شما و هرگز را به کار گرفت. از جمله اقدامات مبارک در این مدت، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. انتخاب سرلشکر شفیق که چهار‌ای خوش‌شان بود، به عنوان نخست وزیر به هدف منحرف کردن افکار عمومی;

۲. استعفای جمال مبارک دستور حسنی مبارک از حزب حاکم، برای لایه‌ای این اندازه در اذعان عمومی که مبارک قصد تعیین جانشینی برای ریاست جمهوری مصر را ندارد;

۳. اعلام سیاست‌های جدید در مورد آزادی زندانیان سیاسی، آزادی احزاب سیاسی، توزیع پارتهای افزایش حداکثر دستمزدها، خدمات درمانی رایگان، تخصصی بیماران به کشاورزان;

۴. استعفا و محاکمه برخی فعالان حزب حاکم مانند احمد عز;

۵. انتخاب سلیمان به معاونت ریاست جمهوری به منظور مذاکره با رهبران مخالفان:
به دلیل تظاهرات پی‌ری از خشونت حداکثری و انجام اقداماتی از قبل گل دادن به نظام‌مند، توضیح مثل، نظام‌مندان به تدریج از درگیری‌نشدن با مردم خودداری کردند و ریزش نظام‌مندان به دامان ملت شدت گرفت.

عمر سلیمان در 8 فوریه از تشکیل سه کمیته بحران و تنظیم جدول زمانی برای انتقال مسائله آمیز قدرت خبر داد (کالیفرنیا، ۲۰۱۲: ۴۲). جدای از موارد گفته‌شده، سه سخنرانی مهم حسنی مبارک که آخرین آن در شامگاه فوریه (۲۱ بهمن) انجام شد، به‌روشی حاوی هنر سیاست چماق و هریک بود. یک در خلاصه صحبتهای خود، هم وعده اصلاحات می‌داد و آن را به آرامش کشور منوشت می‌دانست و هم مخالفان را در صورت تداوم اعتراض‌ها تهدید به مراکز قدرت، اما در نهایت حضور گسترده مردم در خیابان‌ها علیه حسنی مبارک، وی را وارد کارنگه‌گیری از قدرت کرد و شورای انتقالی نظامی با به دست گرفتن قدرت، وعده اصلاحات سیاسی داد (لینچ، ۲۰۱۱: ۳۱). شورای انتقالی نظامی مصر با اقدام به دستگیری، تفیش، محاکمه سران قبلی، انحلال پارلaments، غیرقانونی اعلام کردن حزب دموکراتیک ملی مبارک، تعلیق قانون اساسی و نوشتن متنی جدید برای جلب موافقت همگانی، به‌سرعت نارضایتی را را آرام کرد. آغاز محاکمه مبارک و پرسنل و کسانی که به‌عنوان کلیدی را در دولت مبارک داشتند در اواخر آگوست همان سال، نقطة تغییر نیرومندی را در ازدحام سیاسی مصری و عربی ایجاد کرد تا اعتماد شهروندان یا به سیستم‌کی که او خواست قدرت را پاسخگو جلوه دهد، بازگردد. ولی با توجه به ساختار قدرت طبقه‌نظامی و باشگاهی به کمک‌های بیرونی، اسرائیلی امریکا تلاش کردن در جهت دیگر انتقال آگرام گزارش باشند (خوری، ۲۰۱۱: ۱۴). تحولات در مصر تنها دارای اهمیت داخلی و منطقه‌ای نبود بلکه در ابعاد بین‌المللی نیز با متان و سیاست‌های قدرت‌های بزرگ جهانی منطقه‌ای، ارتباط نگاتیوی داشت. این نگرانی‌ها بیش از آنکه از تهدیدهای احتمالی در صحرای سیبی علیه رژیم صهیونیستی و نقض پیام صلح نشست بگیرد، از آزادی تحرك گروه‌های اسلامی گرا در غیاب یک رژیم توتالیتیر ایجاد شده بود. همچنین در پی نتیجه روابط مصر و اسرائیل و در جریان حمله مردم قاهره به سفارت اسرائیل و مرگ پنگ افسر بیلیس در مرز، نخست وزیر مصر این گونه واکنش نشان داد که صلح مصر با اسرائیل یک موضوع مقدس نیست و می‌تواند تغییر کند (پترو، ۲۰۱۱: ۴۱).
نظام‌بان؛ بازیگران اصلی تحولات انقلاب مر س
نظام‌بان در مصر مجموعه نیروهای شاغل در ارتش، پلیس و نهادهای امنیتی - اطلاعاتی هستند
که به‌واسطه ساخت سلسله‌مراتبی (فرمانده فرمانی)، تاجره کنترل جامعه و نیز دسترسی به
سلاح و سایر ابزارهای کنترلی نظیر شنود و تعقیب و تهدید، موقعیت ممتازی دارند. به‌خش
قابل توجهی از قدرت و هزمنی نظام‌بان مصر، معلول ضعف جامعه مدنی است. به عبارت
دیگر، بین توانمندی جامعه مدنی و نیروهای نظامی، رابطه معکوسی برقرار است. این معامله
همواره در مصر صادق بوده است. این کشور طی نیم قرن اخیر سه جنبه مهمی را تجربه کرد
است. ادعای الیه‌بخشی جهان عرب در کنار همسایگی با رژیم اسرائیل سبب شده تا ارتش
همواره این گونه القا کند که مصریان بقا و سلامت خود در برای حمایت بیگانگان را میدون
نظام‌بان هستند. ارتش مصر به واسطه همین اعتبار، بسیاری از فرصت‌های تجاری - اقتصادی
را به خود اختصاص داده است. به‌طوری که عضویت در ارتش، افراد را به درنگ به صرف طبقه
متوسط و بالاتر می‌کشدند. از آنجاکه همه رؤسای جمهوری مصر طی 30 سال اخیر نظامی
بوهداند، نظام‌بان در قشرندا اجتماعی مصر همواره از جایگاه ممتازی برخودار شده‌اند.
تخصیص اعتبار ویژه برای نظام‌بان با هدف صیانت از مصر (در قبال اسرائیل) و حکومت
(در برای تندروهای اسلاوی) همواره از اولویت‌های حکومت مرکزی این کشور بوده است.
به علاوه ایالات متحده امریکا پس از امضای پیمان کمب دیوید (۱۹۷۹)، سالانه به طور
متوسط در میلیاردر دلار به ارتش مصر کمک مستقیم و غیرمستقیم کرده است. استدلال امریکا
این بوده که باید مصر به صرف کشورهای بیشتر و سازش کار با اسرائیل، از شکل گیری
محور قوی و قدرتمند جلگه‌یبری می‌کند و ارتش مصر می‌تواند ضمن مهار مخالفنان داخلی
از دشمنی با اسرائیل برهزند (لیتریک، ۲۰۱۳: ۲۸).

نیروهای مسلح مصر از چهره‌های جدایگانی اصلی به نام‌های نیروی زمینی، هواپیمایی و
قرارگاه پدافند هواپیمایی تشکیل می‌شوند. همچنین، نهادهای نظامی و شب‌نظامی دیگری همچون
گارد جمهوری و نیروهای گارد ملی از دیگر نهادهای تشکیل‌دهنده نیروهای مسلح
هستند. بررسی نهایی نیروهای مسلح بین ۳۴۰ هزار تا ۵۰۰ هزار نفر تخمین‌زد. می‌شود که
از همهٔ فرمانی جامعه در آن شکسته می‌کند. در سال ۲۰۱۲ برای تخمین‌رسی ۶ درصد از
قبول شدگان در گروه دانشگاه نظامی این کشور از مناطق محروم صحرای سینا بوهدان.

[۳۳] Downloaded from priw.ir at 23:13 +0430 on Monday July 13th 2020
[DOI: 10.20286/priw-050103]
در زمان نارئامی های اجتماعی هنگامی که نظام دستگاه‌های امینی بی هم می‌خورد، سایر
پایه‌های قدرت از جمله ارشد و حزب حامی نیز دچار اختلال می‌شد. نتیجه حضور
ناعگاهی مردم در صحنه این است که در جریه نخست از بدن به ارشد نهادهایی که در خدمت
رژیم هستند، از آنجا که برای خود نقش خدمت‌گذار قائلاند، تفکیک می‌شوند. در جنین
شرايطی ارشد که از وظیفه حفظ نظام برکنار مانده است، می‌توانند نقش ضامن گذار از مرحله
دیکتاتوری را بازی کنند. میان ارشد و دستگاه‌های امینی، بل‌های ارتباطی فراوانی وجود
دارد. در بیشتر موارد، سران دستگاه‌های اطلاعاتی نظام مانند زنگ‌های عمر سلیمان این ارتباط
را تأمین می‌کردند، بدن سبب این‌ها از مهم‌ترین مقام‌های نظام سیاسی مصر هستند. رفتار
نظامیان در مصر را بايد از ارتباط با تلش‌های امریکا برای حفظ ارشد و نیز نتیجه‌گیری زیاد مبارک
بر دستگاه‌های امینی بررسی کرد. طی ده سال گذشته، دلخواه نظامیان از مبارک افراش
یافته بود. انقلاب ارشد بر این بود که چرا از منصور کرد می‌شود معاون رئیس جمهوری
سر بار می‌زنند و به این ترتیب، نوعی عدم اطمینان و فضای بحرانی برای آن‌های کشور ایجاد
می‌کند. همچنان، نجات‌ها و در به صحنه آوردن پسرش جمال به عونان جانشینی، موجب
کننده نظامیانی بود که بایستی و به‌ویژه مسئولیتی برای او که برکنار شدند، نقش تاچیرخش را از
ارتش می‌گرفت، قابل نبودن. در روزهای پیش از سقوط رژیم مبارک، اختلاف بین سران
ارتش آشکار شد. برای فرماندهان ارشد این پرسش مطرح بود که آیا بايد همچنان از مبارک
پشتیبانی کرد یا این‌ها به استعفا نمود؟ اگر تغییر نگاه امریکا به تحول‌های مصر، اجماع
بر سر گرفتن دور بود گرفت، ولی ارشد مردم بود که آیا خود مستقل سلطه کنار گذاشتن
رئیس جمهوری را به عهده بگیرد با نسبت به تظاهرات مردم بی‌تفاوت باشد. بیانیه‌های امریکا
که محترمانه و گاهی در تضاد با یکدیگر بود، تلش داشت تا با رفتار مبارک، پایداری سیستم
را حفظ کنند. بیست و چهار ساعت و پانیسی میان 10 و 11 فوریه این امکان را به ارشد داد که
با عدم ممانعت جدی از دسترسی مردم به ساختمان‌های نمادین قدرت به‌عنوان مجلس و کاخ
ریاست جمهوری، تظاهرات به اوج رسید و رژیم سقوط کرد. به این ترتیب، ارشد در ذهن
مردم نقش مثبتی یافت.

ارتش مصر توانست در آغاز اعتراض‌ها نقش خود را بر از پر کردن خلا امینی در
خیابان‌ها به مبارک بپیوندد. اما هنگامی که شبه نظامیان در میدان التحریر به تظاهر کندگان
حمل و نقل، پیشرفت‌های نظامی، تکنولوژی، اقتصاد و سیاست، هدف‌های اقتصادی و اجتماعی را می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که نقش ارشد در جریان برخورداری از اعتراض‌های مردم و کنار ساکنان حل مسئله بسیار مهم بوده است. نقش ارشد و تأثیرات امنیتی در خیزش‌های مردمی، در وضوح اصلی سرکوب‌گرانه و در جهت تلاش برای حفظ وضعیت بوده است، اما به‌عنوان اوج‌گیری اعتراض‌های مردم و نامنی‌گری قوانین مسلح از حفظ دیکتاتوری حاکم می‌سوزاند. اکثر آنها بر حفظ سازمان و نگهبانی و حفظ نظامی بوده است. در ادامه‌ها نیز با برگزاری انتخابات در مصر، ارشد نقش وادارکننده و کتابخانه‌ها برای گذر آرام قدرت ایفا کرده و متظر بود تا با گذشت زمان دوباره خود را با پاساژی کند و به نهاد پشت برهه برای مرافقت از ساختار نظام خود در کشور تبدیل شود (البرادی، ۲۰۱۱: ۲۳). انتخاب مصر در ناآرامی‌های زاونیه ۲۰۱۱ و با مشاهده موج خروشان خیزش علیه حکومت مبارک از در خشونت وارد نشد، به‌طوری که انتقال مصر کمتری از ۹۰۰ نفر لطف انسانی داشت که در تاریخ انقلاب‌های جهانی کاملاً است. از دلایل اساسی این واقعه ارشد نقش توان به دلیل مشغولی اقتصادی - تجاری ارشد می‌باشد، خاستگاه اجتماعی انرها نظامی ایمنی، انورینه و برنامه‌گذاری بدون دفاع مبارک و استفاده از تجهیزات سایر کشورها در عواقب آتی گشودن به روز مردم اشکار کرد. در اواخر ناآرامی‌ها، ارشد در محاوره از تهدیدهای سیاسی و نظم عموی نقش قابل قبولی ایفا کرد و شورای نظامی مصر به تحویل قدرت به گروه پروز در بازخوانی‌های ۲۰۱۲ (مسلم‌زاده) کارنامه‌های قابل قبولی ارزشی کرده، سپس شرکت داد که در جدید اقتصادی به دلیل سیستمی به ۴۰ درصد اقتصاد مصر و صداها کارخانه تولیدی، حاضر نیست امپراتوری اقتصادی خود را رها کند و به رقبا بسپارد (زاین، ۲۰۱۱).
مشترکان نظامی از بالاترین امتیازهای شغلی برخوردارند. زعترالاها در بسیاری از فعالیت‌های پرالود تجاری، از ایجاد شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی گرفته تا هتلداری و ایجاد آرازنده‌های توریستی فعالند. بر این مبنای گفته می‌شود اقتصادی در تصمیم‌گیری نظامیان در اقدامات اخیر نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. البته ارتش برای اثبات این نقش یک شعار دل‌فریب داشته و آن باید برگرداند مردم مصر به زندگی عادی بود. آنها با اظهار اینکه معمای و زندگی روزمره ۸۰ میلیون شهروند مصری در خطر است، می‌کوشند نشان دهد ارتش با فعالیت زندگی اداری، جامعه را به وضع عادی برگرداند. پس از فروپاشی نظام سابق، نظامیان با اتخاذ سیاست‌های مهاجرتی و اقتلاع و زیرکردن را پیش گرفته که کمترین تراجم را به نیروهای اقتلاعی نشان داده‌اند. از این جهت تلاش کردند از طریق تعامل با دیگر گروه‌های سیاسی در دوره‌های انتقالی، جابه‌جایی ارتش در قانون اساسی حفظ شود و در تحولات سیاسی کمترین آسیب به آنان وارد شود (بیست و یکم ۱۳۹۲). ارتشان در این راستا چند قدم اساسی براشستند:

۱) تدوین و تصویب قوانین فوق دستور: قوانین نظامی قانونی را تحت عنوان قانون فوق دستور (فوق قانون) تصویب کرد. این قانون طوری تنظیم شده بود که هرگونه اقدام برای خدش‌های وارد کردن به ارتش را مسند کرده بود. با این اقدام، در تحولات آینده حتی اگر کف مطالبات آنها نیز برآورده می‌شد، می‌توانستند تأثیرگذاری خود را حفظ کنند. این اقدام ارتش با واکنش شدید نیروهای اسلامی گرا و انقلابی روهیب و شد. ارتش تحت فشار اعتراض‌های خیابانی و واکنش‌های تند جریان‌های اسلامی و مردم، یک ماه مانده به انتخابات مجلس به نوعی عقب‌نشینی تاکیدی دست زد.

۲) کارشناسی در تدوین قانون اساسی: شورای نظامی در شرایط و فضای اقتلاعی با وجود اینکه از قبیل به نتایج انتخابات پارلمانی آگاهی داشت، اقدام به برگزاری انتخابات کرد. کسب اکثریت کرسی‌های پارلمان توسط نیروهای اسلامی گرا، زمینه شکیل‌گیری یک سند آنرا برای تدوین قانون اساسی فراهم کرد که ۳۷ درصد آن از نیروهای اسلامی گرا بودند. ارتش با توسل به دادگاه قانون اساسی و در یک بازی حقوقی توافقت این هیئت را منحل کرد (باشگاه خبرنگاران، ۱۳۹۳). این نخستین مخالفت جدی ارتش پس از اقتلاع با نیروهای اسلامی تندرو بود. ارتش خواهان تشکیل جمعیت دوم شد. جمعیت دوم در سال ۱۳۹۲ با ترکب ۵۰
درصد خارج از پارلمان، از میان سندرکاها و ۴۰ درصد از پارلمان تشکیل شد. در این دوره نیز با توجه به نفوذ اخوان‌ها و سلفی‌ها در سندرکاها، این جریان ها توانستند ۷۲ درصد آرای را به خود اختصاص دهد و طریق ارزش برای بار دوم نیز با ناکامی مواجه شد.

۳) انتخابات پارلمان: ارتش پس از ناکامی های دور میلیون‌ها گرایانه‌ها را به سطح ریاست جمهوری کشانه. نظامیان با علم به اینکه در صورت برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، اسلام غرا پیروز می‌ماند انتخابات خواهند بود و رئیس جمهور اسلام غرا در کنار پارلمان با اکثریت اسلامی برای جایگاه و نفوذ ارتش مشکل ساز خواهد بود. در اقدامی حقوقی صلاحیت یکسوم نمانندگان انتخابی در پارلمان را از طریق دادگاه قانون اساسی زیر سؤال برد و مجلس را پس از جهان مال فعالیت منحل کرد.

۴) رد صلاحیت کاندیدای اصلی اسلام غراها: دادگاه قانون اساسی در اقدامی همگن با ارتش صلاحیت خیرات شاطر نامزد اصلی جریان اسلام غراها نمی‌تواند در مشروط درون‌گروهی به مرسی رسید و یکی را به عنوان نامزد انتخاباتی معرفی کرد. ارتش با علم به اینکه ضعیف مرسی، احمد شفیق فرمانده سابق نیروی هوایی و نخست وزیر دوران مبارک را نامزد خود در انتخابات معرفی کرد. ارتش به پیروزی شفیق بر مرسی امید بسته بود و پس از شکست وی در رقابت بسیار ندیک با مرسی، بار دیگر خود را به دسته‌بازی سیاسی با اخوان‌یافته و برای پیشرفت طرح‌های سیاسی اش دچار ناکامی شد.

۵) واقعیت قدرت به اخوان‌های تسلیم ظاهری به آرای مردم: پس از انتخابات ریاست‌جمهوری، شورای نظامی به عنوان تأمین کننده خواهش‌های مردم به پشت صحنه بین‌ملل شد. این شورا موفق شد با ندیکت کردن خود به مخالفان اسلامی‌نگری فرمانیات اصلاح اساسی در مسیر ایجاد کند. نظامیان پس از شکست‌های متواتر از جریان‌های اسلامی گرا به این نتیجه رسیدند که بدون مردم نمی‌توانند اهداف و سیاست‌های خود را پیش ببرند. جریان معارض نیز در تحلیلی مشابه به این تلقی رسیدند که بدون کمک مردم نمی‌توانند قدرت را از دست جریان‌های اسلام غرا خارج کنند. اما نظامیان در این صحنه به دلیل انجام سازمانی بیشتر، برخوردی از تدابیر و تفکر سازمانی و همچنین تعامل قوی تا با خارج از مصر قرار گزیندند.

پیروز می‌دانند، تخصیص‌ها و رقابت‌های شتری‌نشینی مصر در دوران گذشته باشد. اختلاف‌های مرسی با مخالفان ضد اخوانی: حکومت مرسي در روند انتقال سیاسی
بسبی ظرفیت‌های سیاسی و مردمی علیه دولت مرسی

ارتش در ادامه سناریوهای سیاسی پچیده خود در مدیریت صحته سیاسی، توانت پس از تصویب قانون اساسی اردوکشی‌های خیابانی علیه مرسی را مدیریت کند. ارتش موفق شد تمامی گروه‌های مقابل اسلام‌گرایان به همراه دو گروه اقلیتی قبطی‌ها و صوفی‌های مصر و همه ساکنانهای اداری این کشور را علیه دولت مرسی بسیج کند. جبهه نجات ملی نیز با هدف ساقط کردن دولت مرسی، عصبانی مدیت‌باش شورش مردمی را در دستورکار قرار داده؛ به طوری که در ۲۵ دانیشکوه ۲۰۱۲ مقارن با سالگرد سقوط مبارک، حکومت معتضد (موسوم به حکم معاویه) را به سمت ایجاد نامه‌های بهداشت کرد. در جریان دو ماه ناکامی، ارتش قادر نبود در مقابل موانع دولت مرسی پاسخ‌گو بزند، لذا تلاش کرد به تقویت جبهه نجات ملی بردازد. مشکلات شدید اقتصادی در طول حکومت مرسی و اقدام‌های مقاومت در این مقطع، سبب تشدید فقر و توسعه نامنی در کل مصر شد. این موضوع به نفع ارتش تمام شد. ارتشان
بلافاصله ایجاد ثبیت نسیبی در دستورالعمل قرار دادن و از مواردی نسبت به خواستنی دست از خشونت بردارند و در عین حال اعترافاتی به دست آوردن خشونت آنها را ممنوع نکرد. این امر به معنای ورود ماهرانه و محاسبه‌شده ارتش به مرحله جدیدی از مقابله با دولت منجر شد و ایستایی مرسی بود. در مرحله جدیدی که از ماه ۱۳۹۲ آغاز شد، معارضان اعتراف‌هایی بدون خشونت را در دستورالعمل قرار دادن که پس از مدتی به "اجتناب تمرد" معروف شد. همین اصل و نیروهای تشکیل‌دهنده این جنگی و مدیران آن هیچ‌گونه وابستگی به خارج نداشتند. این جنگی توانست در فضاهای نامحدود اقتصادی و نامحدود روزافزون، بصرف نظر خواسته‌های خود را به یک جنگ اجتماعی بدل کند. در مراحل آغازین شکل‌گیری این جنگی (۱۳۹۳) هیچ شخصیت سیاسی از آن حمایت نکرد. ویژگی اصلی این جنگی این بود که شکوتهای خود را از عمق دل مردم گرفته بود، از زندان و فقر، بیکاری و علم وابستگی به غرب و رژیم صهیونیستی. سخن می‌گفت، بر استقلال سیاسی تأکید داشت.

و سیاست‌های این جنگی که کمترین مورد شعور پر جنگ بود که اگر مرسی ۱۵ میلیون رأی کسب کرده است، ما بیشتر از آن را در مخالفت با وی به خیل‌شان‌ها می‌آوریم. بر همین اساس آنان توانستند در فاصله زمانی ۹ زودن تا ۳۰ زودن ۲۰۱۳ با ۲۲ میلیون رأی علیه مرسی جمع‌آوری کنند. پس از ظهور قدرت جنگی بود که جریان جدیدی را در میانه راه همسپاری خود را با جنگی تمرد واعظ کرد. نظامیان نیز که مترصد چنین فرصتی بودند، یک هفته پیش از سقوط مرسی اعلام کردند برای چند جوگیری از رفتار مصر به سمت پرتابگر وظیفه خود را دخالت در مدیریت وضعیت جدید می‌بینند. بر همین اساس، پس از تجمع میلیون‌ها نفر در ۳۰ زودن در میدان التحریر در مخالفت با مرسی، ارتش در برنامه‌ای از پیش طراحی‌شده با اعلام ضربالاجل ۴۸ ساعته به مخالفان و موافقان مرسی، اقدام به تعیین دولت مؤقت کرد و مرسی را در زودن ۲۰۱۲۳ از قدرت برکنار و به نحوی تاحمل رأی انتقال داد. ارتش در اقدام بعدی علی‌الملک نصیر، رئیس دادگاه قانون اساسی را به عنوان رئیس جمهور مؤقت معرفی کرد و به عمر دولت مرسی به عنوان دولت منتخب پس از انتخابات، پایان داد. بدین ترتیب ارتش مؤقت شد جریان احواز که پس از چند دهه توانسته بود که مرسی ریاست جمهوری تکیه بزند، در انقلابی نرم و سنجیده با اتهام ناکام‌دی و آشوب‌گری از قدرت به روند کن.
در واقع ارتش مصر تووانست در سناریویی حساب گرانه دولت برآمده از انقلاب مردمی را به اثر چند انتظار و خطا که مخالفت اکثریت مردم را موجب شده بود، بدون استفاده از راه‌های دموکراتیک و با سلاح نظامی گری پایین پوشید. گرچه به ظاهر شواهد و قرائنی دال بر استفاده از خشونت نظامی از سوی ارتش در ساقط کردن دولت مردمی دیده شد ولی ارتش با سوء‌استفاده از موقعیت به وجود آن دو (اردوکشی موافقت و خلافکاری) به عنوان ایجاد امنیت و حفظ کشور از سقوط، با کودتا دوم مردمی را خلج و دوم دلتوث وقت را تعیین کرد. به دنبال ادامه برخی سیاسی شدید در این کشور، عبدالفتاح السبیسی وزیر دفاع مصر، در جلسه‌ای با حضور شماری از رهبران نیروهای مختلف مرسي، شیخ الأزهر و رهبر مسیحیان مصر، قانون اساسی را به حالت تعیین دارد و علیه منصور رئیس دادگاه قانون اساسی مصر را به عنوان رئیس جمهور موقت معرفی می‌گردد و از برگزاری انتخابات فوق‌العاده رئیس جمهوری در این کشور خبر می‌دهد. در ۲۷ همان روز با صدور بیانیه‌ای به طور غیرمستقیم از حمایت خود از عبدالفتاح السبیسی در صورت نامزدی در انتخابات رئیس جمهوری مصر خبر داد (العالم، ۱۳۹۳).

همانند دیگر کودتاچیان مصر، عبدالفتاح السبیسی -قرار دش پشت پرده در قبیل و پس از کودتا برای به دست گرفتن قدرت، دموکراتیکیکوار از منصب نظامی استعفا کرده و در انتخابات می ۲۰۱۴ با کسب حروف ۹۷ درصد آرا، به ریاست جمهوری رسید و حضور قدرتمند و هم‌گی نظامیان در زندگی سیاسی و اجتماعی مصر را دوباره به نمایش گذاشت. سکوت بیشتر مردم مصر با قبول اولیه دولت نظامی السبیسی از سوی آنان، نایب دو دسته عوامل داخلی و خارجی است: یکی از دلایل داخلی افزایش محبوسیت ارتش مصر را می‌توان مشارکت فعل آن در کارهای عمرانی و تولیدی دانست؛ دوم اینکه جدای شدن سازمان امنیت از باند ارتش در زمان مبارک برخلاف اعلام خود، سبب شد تا مردم ارتش را در سرکوب سالمهای حکومت مصر کمتر مقصر بدانند؛ در آخر باید گفت پخشی از مردم به شکل مستقیم و غیرمستقیم از راه ارتش امر معاون می‌کند که همراه با خانواده‌هایشان پخش قابل توجهی از مردم مصر هستند. یکی از عوامل خارجی مؤثر در پذیرش حکومت السبیسی نیز موجودیت اسرائیل در همسایگی مصر و تحت تأثیر قرار گرفتن این کشور از توسعه ملی آن بوده است. ارتش مصر نقش برجسته‌ای
نتیجه‌گیری

در هم‌های خیزه‌های مردمی، نقشه ارتش و نیروهای امنیتی در مرحله‌ی نخست سرکوب گرانه و تلاش برای حفظ وضع موجود بوده است، اما به هنگام اوج گیری اعتراض‌های مردم و نامی‌ویژه‌ی قوا مسلح از حفظ دیکتاتور حاکم، در مسیر حفظ سازمان خود و نگهداری نظام حاکم تلاش کرده‌اند. انتقال قدرت از نسل پیشین به نسل جدید رهبران، یکی از مسائل حیاتی در مصر است، زیرا روابط نظامی - سیاسی در این فرآیند در حال گذار سیاسی مؤثر خواهد بود. باید درک بهتر نقش و جایگاه ارتش در هر کشور پیش از هر چیز نیاز به شناخت رابطه نظام سیاسی آن کشور با ارتش، ماهیت و خاصیت استراتژیک نظام‌های در دنیای امروز سیاسی وجود احراز و گروه‌های سیاسی در آن کشور است. در واقع در پی کودتا 1392 جنبش افسران آزاد در مصر که ناصر را به ریاست جمهوری رسانده، ارتش به مهم‌ترین نهاد در سیاست این کشور تبدیل شد. در دوره‌ی زمانی 1392 تا 1397، ارتش مصر در نهادهای دولتی و تصمیم‌گیری سیاسی، مداخله مستقیم داشت. بهترین پاسداری در خدمت این نظام جمهوری باید نیروهای مسلح تبدیل شد. رهبران سیاسی از یک سو از منافع نظامیان پاسداری کرده و از سوی دیگر در تلاش برای کاهش نفوذ مستقیم آنها در اداره‌ای امور سیاسی بوده‌اند. با نگاهی به تاریخ معاصیر مصر، بی‌پروپاچی می‌توان دریافت که نظام‌های تنا نگه‌داری گروه‌هی هستند که اصل قدرت را همیشه در دست داشته‌اند و انتقال قدرت نیز با نظرت و رضایت آنها انجام شده است. این روند از زمان ناصر، سادات و مبارک به همین منوال بوده و حتی در روند انقلاب مردم مصر در 1393 زانویه 1392 نیز ارتش با حفظ و وجه خود و عدم دخالت در معارضه‌های مردم با مبارک، جایگاه خود را ثبت کرده ارتش با برگزاری انتخابات سال 1394 در مصر، نقش واطعه و تازگی‌براز را برای آرام قدرت داشت و با گذشته مدتی دولت مرکزی به این معناست که دبیر هیچ رئیس جمهور غیرنظامی در مصر، از ناحیه نظامیان احساس امنیت و ثبات نخواهد کرد. در کشاکش میان موافقان و مخالفان مرسي که به خلوع وی از قدرت انجامید، ارتش تنها نیروی آماده بود که با استفاده از خلا قدرت، ابتکار عمل مدیریت سیاسی را به دست گرفت.

تحولات جدید در مصر حاصل زندگی‌ها و بسترهاي بود که به دست مخالفان مرسي و
جریان اخوان فراموش شد. بحران کارآمیزی، شکاف عمیق اجتماعی و سیاسی، سوء مدیریت و خطای در استراتژیها و تاکید‌هایی اسلام‌گرایان، شکاف میان امکانات و انتظارات اقتصادی هم‌پیمانی با سلفی‌ها وجود نشان‌های حل نشدنی میان قوه قضاییه و مجری‌های از عوامی بهبود که خود زود دولت کرد را با بحران مشروطیت، مقتبیت، همویت و توسعه قدرت مواضع کرد و اسباب سقوط وی را فراهم ساخت. در این موقعیت، بود که بسیاری از شهروندان مصر به سیسی به عنوان نجات‌دهنده مراز و وضعیت افلاطون انسانی و سیاسی نگرفتند. اما گذشتند اندک زمانی، بسیاری از مردم مصر و را دی‌پنتری همانند سلفوش یافتند. زیرا یواحی آزادی و فعالیت احزاب سیاسی را محدود و حسن مبارک و پسرش را از اتفاق کشتار مردم در طول انقلاب، شیراز کرد و بسیاری از شخصیت‌های نظام مبارک را دوباره در منابع دولتی به کار گرفت. بسیاری از احزاب و گروه‌های مخالف این اعمال بوده و معترضند با عدم همکاری تمامی گروه‌ها سیاسی با حکومت نظامی السیسی، این نظام با بحران‌های فراوانی از جمله مشکلات شدید اقتصادی، نامنی، دودستگی سیاسی و ایدئولوژیکی مواضع می‌شورد که در نهایت متنجر به کاهش قدرت نظامیان و به حضور افتادن نهایی‌ها برای سلامت بانواست. در وضعیت فعلی، اشتی م است اساسی بر سر راه اداه بهبود مردم مصر است. به نظر می‌رسد در حال حاضر با برکاران مردمی و اخوان‌المسلمین از قدرت، اشتی قصد دارد هم‌تان به نقش پشت پرده خود برای حفظ ساختار زندگی ادامه دهد و ثبات قبیحی را حفظ کند. حصول‌های مهم‌های اخیر در رابطه با انتخابات ریاست‌جمهوری و نتایج به‌دست‌آمده این بر این چهارچوب قابل تفسیر است؛ به نظر اشتی تلاش می‌کند که مدیریت صحت به قوه مجری و ریاست‌جمهوری در اختیار اسلام‌گرایان و دیگر احزاب سیاسی قرار نگیرد. شرایط جامعه مصر به صورتی است که قواعد سنتی آن در حال حاضر نمی‌توانند قواعد مدرن را مورد پذیرش قرار دهد. در این دوران گذار، جامعه مصر دچار سردرگمی و به‌هم‌ریختگی است و همین مسئله موجب شده تا در نوید فرهنگ عمیق یکپارچه، جنبش‌های اجتماعی به جای‌شکیده شود و اشتی با سوء استفاده از این موقعیت، به حکمرانی پهپاد. اینکه اشتی در این مسیر موفق می‌شود یا خیر و اینکه تا چه زمان به حکومت کردی می‌پردازد، وابسته به عوامل گوناگون مانند نحوه بارز اشتی، گروه‌ها و احزاب سیاسی و پرخور مردم با هریک
از این بازیگران در عرصه سیاست داخلی مصر و کمک‌های مالی عربستان در بعد خارجی است. طبق تحقیق صورت گرفته در این مقاله، تحلیل نگارنده از نقش ارتش در تحولات اخیر مصر بر این است که ارتش مصر به عنوان نهادی قدرتمند که علاوه بر قدرت نظامی به منابع مالی و اقتصادی عمده‌ای در جامعه مصر تسلط دارد و اینک دوباره در رأس حکومت قرار گرفته و از حمایت‌های منطقه‌ای مانند عربستان و فرمانده‌های علیه غرب برخوردار شده، در شرایط موجود حاضر به وکیل‌دار قدرت به مردم نبوده و به ایفای نقش خود در صحنه سیاسی مصر ادامه خواهد داد.
کتابنامه

ازندی، علی‌رضا (۱۳۸۷). ارتش و سیاست. چابهار: پژوهش و نشر، تهران؛ انتشارات قوس.

با شکایت خبرگزاری فارس (۱۳۹۳). جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند در اگر خود را کندهشد؟

http://www.cjc.ir/fa/news/4779537

در:

بی‌نام (۱۳۹۲). واکاوی جابجایی مزدربان در مصر، پژوهشگران اهداف و چشم‌اندازها.

http://www.basirat.ir

در:

بی‌نام (۱۳۹۲). ناگفته‌های مصر.


DOI: 10.20286/priw-030327

دومانلو، طیبه: مقدمه شاد، محمود‌رضا؛ فرحی، داود (۱۳۹۳). دموکراسی یا اقتدارگرایی: ناگفته‌ی سیاسی اخوان المسلمین/پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. سال سوم. دوره ۴. شماره ۱. صص ۴۲-۵۱.

DOI: 10.20286/priw-040128

رضاردست، کریم (۱۳۸۷). مردم سالاری در مصر: چالش‌ها، موانع و محدودیت‌ها. مجله دانش سیاسی. شماره ۴. صص ۴۲-۵۱.

عسکری مقدم، محمد‌رضا (۱۳۹۰/۱۳۹۱). بیداری اسلامی و عقیدگرده ایدئولوژی‌های ضد ملی. فارس.


واعلی، محمود (۱۳۹۰). جهان‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه: نظریه‌ها و روشهای نوین. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.


http://www.aftab.ir

DOI: 10.20286/priw-050103

هرسینی، صالح‌الدین (۱۳۸۸/۱۳۸۹). ارژین نگاه نظام سیاسی مصر در: مونتی، گیل‌نی، احمد: عطارزاده، بهزاد (۱۳۹۱). تاریخ و تأثیر فضای مجازی در جنبش‌های اجتماعی: مطالعات


Kevkin, Mara (December 2011). Anathomy of Egypt’s Salafi Surge. available at Associated Press.com


